

«هو الحکیم»

عنوان:
فرج موقت



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُ عَلَیْكَ یَا صَاحِبَ الزَّمَانِ اَکْ



『@SERATEHAGHI』

در کتاب قُرْبُ الْإِسْنَاد، قُرْبُ الْإِسْنَاد مالِ جناب عبدالله بن جعفر حَمِیری هست. ایشان از علمای قرن سوم و چهارم هستند. از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود: ابن ابی حمزه، گمان می‌کنم که جعفر خیال کرده پدرم، یعنی (حضرت موسی بن جعفر) قائم است. جعفر چه می‌دانست که خدا چه خواهد کرد، خداوند متعال از قول پیغمبرش حکایت می‌کند که گفت؛ نمی‌دانم چه امری برای من و شما واقع خواهد شد و من پیروی نمی‌کنم مگر آنچه را که وحی شود. بعد حضرت باقر فرمود؛ قبل از قیام قائم، چهار حادثه‌ی که بر خروجش دلالت کند و آنها سه حادثه‌ی گذشته و یکی باقی مانده است. یعنی سه حادثه اتفاق می‌افتد و این سه حادثه هم اتفاق افتاده، و یکی باقی خواهد ماند. حالا اون یکی چیه؟ ادامه ببینیم چه احتمالی می‌تونیم بدیم. راوی می‌گه که؛ گفتم فدایت شوم چه چیز گذشته است؟ فرمود؛ ماه رجبی که در آن صاحب خراسان خلع شود. دو: ماه رجبی که در آن ابن زبیده مورد حمله قرار گرفت. سوم: ماه رجبی که در آن محمد بن ابراهیم خروج کرد. پرسیدم رجب چهارم متصل به آن است؟ حضرت رضا فرمود؛ ابو جعفر این چنین گفته.

این روایت روایت مبهمیه ها، از روایاتی که، من نگاه می کردم که به طور اکثر اصلاً ورود به این روایت ها نکردن، گفتن نمی فهمیم این روایت ها را! روایت، روایت مشکلی هست. اما خب حالا به حول و قوهی الهی ما کم به کم ورود پیدا می کنیم ببینیم به اندازهی خودمون این روایت را به چه اندازه فهم بکنیم.

ببینید حضرت رضا علیه السلام آخر می فرمایند که؛ خب رجب چهارم، پرسیدم رجب چهارم متصل به این سه رجبه؟ فرمودند؛ ابوجعفر چنین گفته! خب، ابو جعفر که این جا می گن، یعنی پدر امام جعفر صادق دیگه، حضرت باقر علیه السلام، این روایت پس از حضرت باقر علیه السلام مطرح شده. خب حالا ببینیم این روایت رو ما چی کارش کنیم. ماه رجبی که در آن صاحب خراسان خلع شد! صاحب خراسان کیه؟ ببینید این اشاره داره به ماجرای بعد از مرگ هارون الرشید، بعد مرگ هارون الرشید دو نفر مدعی خلافت بعد هارون بودن، یکی از اون ها محمد امین بود، یکی هم مأمون بود. خب محمد بن امین موقعیتی داشت، يك مادری داشت که بالاخره رسماً به عنوان همسر این خلیفه انتخاب شده بود و خب محمد بن امین هم از اون بود.

اما در ماجرای مأمون، حالا فرصتی نیست نمی‌خوام ورود پیدا کنم چه ماجرای پیش اومد، مادر ایشان فرد شاخصی نبوده در ارتباط با مسائل درباری، اما خب بین محمد بن امین و مأمون از حیث ذکاوت و سیاست‌مداری، مأمون به مراتب بالاتر از محمد امین بوده. خب جمعی در خراسان و در ایران دور و ور مأمون جمع شدن، خب وقتی این ماجرا را شنید محمد بن امین دست رو دست گذاشت و خب رقیب خودش رو کی می‌دید؟ مأمون می‌دید. لذا رسماً گفت که؛ این می‌خواد غصب خلافت کنه و اصلاً این جایگاه خلیفه بودن رو نداره. لذا در ممالك اسلامی دستور داد و محمد بن امین، مأمون رو از خلافت خلع کرد، گفت؛ اصلاً هیچ گونه رسمیتی نداره خلافت تو. خب پس این‌جا در ماه رجبی که صاحب خراسان خلع شد، صاحب خراسان کی بود؟ مأمون بود. توسط کی خلع شد؟ محمد امین خلع شد. دوم می‌گه؛ ماه رجبی که در آن ابن زبیده مورد حمله قرار گرفت. خب زبیده اسم یه خانمی هست، ابن زبیده یعنی پسر زبیده. این اشاره به شورشی داره که لشکر مأمون بر محمد امین که از جانب مادر، پسر زبیده می‌باشد نمودند و او را از خلافت خلع کردن، خلعهش کردن، کنارش گذاشتن.

وقتی دیدن که محمد امین مقابله می‌کنه و دستور داد که این خلافت مأمون هیچ‌گونه مشروعیتی نداره دست به کار شد، خب شد جنگ، جنگ که صورت گرفت، مأمون غالب شد بر محمد امین. می‌گه که؛ ماه رجبی که در آن ابن زبیده مورد حمله قرار گرفت!

زبیده کی بود؟ مادر محمد امین بود. لذا ابن زبیده، یعنی محمد امین، مورد حمله واقع شد. این هم دوم. سوم: ماه رجبی که در آن محمد بن ابراهیم خروج کرد. این محمد بن ابراهیم کی بود؟ نسبش، این بر می‌گرده به امام حسن مجتبی. این هست نسبش: محمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن الحسن بن حسن المجتبی علیه السلام. این بر می‌گرده به حضرت مجتبی، معروف به طباطبای! با ط، معروف بوده. که این در دهم ماه جمادی الثانی نزدیک به سال ۲۰۰ هجری قمری در کوفه قیام کرد و قیام او به ماه رجب کشید. یعنی قیام جوری عمّده و زمانش این بود که به ماه رجب کشید! پس این‌جا چی بود؟ محمد بن ابراهیم هم خروج کرده، این هم از این! این سه تا رجب.

پرسیدم رجب چهارم متصل به اون هست؟ حضرت رضا فرمود؛ ابو جعفر این چنین گفته! یعنی به اجمال وا گذاشته. حالا این جا این احتمال می ره رجب چهارم چی بوده؟ این را از باب احتمال عرض می کنم تو اون حول و حوش و زمانی که هست. احتمال می ره رجب چهارم اشاره به ورود آقا علی بن موسی الرضا به خراسان داره! زیرا ورود ایشان تقریباً يك سال بعد از قیام محمد بن ابراهیم طبا طبا بوده است. یعنی هر کدوم بین این ها ظاهراً يك سال فاصله بوده، رجب اولی: خلع صاحب خراسان، رجب دومی: که ابن زبیده، محمد امین خلع شد و مورد سوء قصد واقع شد و کشته شد. رجب سوم: خروج محمد بن ابراهیم، يك سال بعد رجب چهارم چی بوده؟

این جا وجود مقدس آقا علی بن موسی الرضا به خراسان آمدند.

اگر یادتون باشه، بحثی داشتیم ما در خصوص روایاتی که تَوْهَّم تعیین وقت کردن، می‌گه؛ آقا گفتن در مورد فرج امام زمان وقت تعیین نکنن اما روایت این هست که تَوْهَّم تعیین وقت شده. از جمله این، روایت اول: راوی می‌گه که: از امام علیه‌السلام پرسیدم برای این امر وقتی هست که ما در آن وقت راحت باشیم و به آن وقت برسیم؟ فرمود؛ بله، ولکن افشا کردید پس خداوند در وقت آن زیاد فرمود. می‌گه؛ يك وقتی بوده به عنوان فرج موقت که به شما گفته شده که حالا پس از يك مدتی دشمنان شما را اذیت نمی‌کنن، خفقان دیگه شیعه ندارید، این يك سرّی بوده، شما اومدید این رو افشا کردید! چون افشا کردید، این فرج موقت به عقب افتاد، روایت اول این هست. روایت دوم: در صفحه‌ی ۸۹۱، راوی می‌گه؛ به حضرت باقر علیه‌السلام عرض کردم که علی علیه‌السلام فرمودند؛ بلا هفتاد ساله، بعد از بلا، رخاء، یعنی فراخی در زیست و به تعبیری توانگری و آسودگی و... و هفتاد گذشت ما رخائی ندیدیم! می‌گه؛ روایتی هست حضرت امیر فرمودند که؛ تا هفتاد سال این فشار هست، بعد از این فراخی، این به امام باقر سؤال می‌کنه می‌گه؛ آقا هفتاد سال گذشت اما ما اون آرامشی که بود شیعیان ندیدند!

این چی می‌شه؟ حضرت باقر فرمود؛ خداوند متعال امر را معین فرموده بود در هفتاد، پس از آن که حسین علیه‌السلام کشته شد، غضب خداوند براهل زمین شدید گردید به تأخیر انداختن تا يك صد و چهل سال! یعنی چی؟ هفتاد سال زیاد شد. یعنی عمل کرد، بنا بوده که هفتاد سال سختی بکشین، بعد اون آسایش شما باشه. خب این مشخصه که هفتاد سال که سختی بکشین، این به این معنا نیست به خاطر این که هفتاد سال بعد از آقا امیرالمؤمنین را بخوای درنظر بگیری، هنوز امام زمان به دنیا نیومده، امام زمان ۲۵۵ یا ۲۵۶ مطرح شده، به دنیا نیومده، این فرج، فرج موقت هست.

این وعده‌ی خدا بوده که آقا امیرالمؤمنین گفتن که هفتاد سال دیگه شما سختی می‌کشین، بعد از این چیه؟ يك فرج موقت هست اما این سرّ بوده، شما شیعه‌ها فاش کردید.

و مسئله‌ی دوم: اومدید جمعی ظلم کردید به امام حسین، از شما، کسانی که به ظاهر مسلمان بودید ظلم کردید به امام حسین، فرزند پیامبر رو به این وضعیت به شهادت رساندید. بعد بسیاری از شما شیعیان به تعبیری پشت کردید به آقا ابی عبدالله، کم بودن دیگه، در اصحاب ابی عبدالله حدود ۱۳۵، ۱۴۵ نفر مطرح شده رو هم رفته. یعنی در اون زمان ۱۳۵، ۱۴۵ نفر بودن اصحاب؟ اصحاب و شیعیان آقا امیرالمؤمنین، نبودن دیگه.

پشت کردن، نیومدن، ترسیدن، به جهات مختلف. نمونه‌اش این هست که؛ در کوفه، مگر شما نفرستادید که اون نامه‌های بسیاری به این که سفارت مسلم بن عقیل که خب خود آقا هم گفتن که به ابی عبدالله بیان به کوفه، خب چی شد، پشت کردین دیگه به جهات مختلف! پول بود، ترس بود، هر جهتی.

خب این باعث شد چی؟ این فرج موقتی که بنا بود بعد از هفتاد سال سختی برای شما باشه این بداء حاصل شد، تغییر پیدا کرد.

مرحوم آشیخ می‌فرمایند؛ که این فرجی که این‌جا مطرح می‌کنند که بله، سه تا رجب، بلکه چهارتا رجب، اتفاقاتی می‌افته و بعداً در ارتباط با فرج قرار می‌گیره می‌گه؛ این فرج، فرج موقت بوده، فرج دائم نبوده، فرج کلی نبوده، به خاطر این که فرضاً حضرت رضا علیه‌السلام هم این‌جا آمدن در خراسان بوده، خب هنوز حضرت رضا بودن، امام زمان که به دنیا نیومده که! اون فرج کلی بخواد بشه. پس این در این پروسه‌ی روایت وقتی نگاه می‌کنیم فرج، فرج موقت بوده.